



سبک‌شناسی تبلیغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پدیدآورده (ها) : حسینی آقایی، سیدمحمدتقی

فلسفه و کلام :: سفیر نور :: زمستان 1391 - شماره 24

از 57 تا 88

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1301395>

دانلود شده توسط : سید اصغر احمدی

تاریخ دانلود : 22/09/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به [صفحه قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

سبک‌شناسی تبلیغ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

سید محمد تقی حسینی آقایی *

چکیده

سبک و روش تبلیغ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای همه افراد و گروه‌ها و در تمام زمانها و مکانها، تازه و جدید است؛ زیرا آن حضرت، آخرین و کامل‌ترین آموزه‌های آسمانی را به بشریت عرضه کرده و خاتمیت رسالت انبیا را به خود اختصاص داده است.

این نوشته، مروری است به سبکها و روشهای تبلیغی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که با استفاده از آیات قرآن و روایات و سیره زندگی آن حضرت تهیه و تنظیم شده است. تحقیق پیش رو، سبکهای دعوت آخرین سفیر خداوند را در سه محور اصلی «دعوت کفار و مشرکان»، «دعوت مؤمنان و موحدان» و «دعوت عموم مخاطبان» طبقه بندی کرده است. در هر یک از محورهای یاد شده، چندین روش به صورت اجمال بیان شده و به ذکر عنوان سایر روشها، فقط اشاره شده است. طرح مواضع مشترک، دعوت به تفکر منطقی، استفاده از فرصتها، اتخاذ مواضع صریح و شجاعانه، عدم نرمش در اصول، استدلال منطقی و فطری، دعوت به مشترکات، تبلیغ فردی و تبلیغ مرحله‌ای، روشها دعوت کفار و مشرکان؛ مدارا و تشویق، بنیانگذاری پایگاه‌های تبلیغی، ترویج اخوت و برادری و مشورت و رایزنی با یاران، روشها دعوت مؤمنان و موحدان معرفی شده است. در قسمت دیگری از نوشته، روشها دعوت عموم مخاطبان آمده است؛ توجه به طبقات مختلف جامعه، هماهنگی معیشتی با مخاطبان، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طیب دوار،

* دانش‌پژوه دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و معارف اسلامی و محقق مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس.

سهولت در امر دین و القای پیام به صورت غیر مستقیم، برخی از روشهای این قسمت نام برده شده است. در نهایت، سبک تبلیغ پیامبر ﷺ به صورت کلی، آگاهی دهنده و طیب گونه ارزیابی شده است.

پیشنهاد این تحقیق آن است که گروهی علمی- کاربردی تشکیل گردیده و احصای کاملی در سیره تبلیغی پیامبر ﷺ انجام دهند و کلیه دیدگاه ها، رفتار و عملکردهای تبلیغی رسول اکرم ﷺ را به تفکیک مخاطبان خاص تهیه، تنظیم و به صورت کتابی مستند و جامع در اختیار مراکز تبلیغی قرار دهند تا از رونق روشهای سلیقه‌ای، غیر علمی و مغایر با متون دینی کاسته شود و تبلیغات دینی مؤثر برای تمام اقشار جامعه، انجام پذیرد.

کلید واژه ها: سبک، روش، پیامبر ﷺ، تبلیغ، دعوت، آگاهی، طیب.

مقدمه

سبک شناسی، از مباحث علمی مهم و مطرح دنیای کنونی است. تمام فعالان عرصه‌های علمی، تربیتی و اخلاقی، می‌کوشند ضمن حفظ و معرفی متد های از پیش داشته، سبکها و روشهای نوین و روز آمد را درحوزه های گوناگون تهیه و اجرا کنند.

ازجمله حوزه‌های مهم اجتماعی، تبلیغ و کاملترین مرامنامه هدایت و تبلیغ دینی، قرآن است که همواره روشهای دعوت و ترویج دین را به همه فعالان تعلیم و تربیت و از جمله، به مبلغان هدایت‌گستر می‌آموزد.

ازجمله شیوه‌های مهم تبلیغی قرآن، معرفی اسوه‌های حسنه و روشهای تبلیغی آنان است؛ از این رو، شناخت سبکها و روشهای تبلیغی انبیا و پیامبران، براساس آموزه‌های قرآنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. چه آنکه مطالعه روش تبلیغی تمام منادیان الهی، حاوی نکات کاربردی فراوان است که می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و چالشهای دینی و دینداری در جهان کنونی باشد؛ اما روش تبلیغی آخرین سفیر خداوند که کاملترین کتاب و عالی‌ترین آیین را به بشریت عرضه کرده، بسیار ارزشمندتر و فوق العاده کارآمد است.

بدین خاطر، این نوشته می‌کوشد زوایایی از روش تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ را با نگاه سبک شناسانه و کاربردی استخراج و نقشه راهی برای مراکز تبلیغی و علاقه مندان به معارف اسلامی پیشنهاد کند.

فصل اول: کلیات

قبل از آنکه به فصل‌های اصلی تحقیق بپردازیم، لازم است برخی از مفاهیم کلیدی نوشته را تبیین کرده و فضای بحث را روشن نماییم.

۱. مفهوم «روش» و «سبک»

واژه روش، شیوه و سبک، معمولاً مترادف هم بوده و دارای یک معنا می‌باشند. به دشواری می‌توان میان این کلمات وجه تمایزی تصویر کرد.

دهخدا در لغت نامه اش درباره معنای «شیوه» می‌نویسد: «طور، عمل، طرز، روش، رسم، طریقه، سبک، اسلوب، نهج، وتبره، نسق، سان، گون، گونه، هنجار، طریق، راه». دهخدا در ادامه به معانی اصطلاحی این واژه نیز می‌پردازد: «قاعده زندگی، طریقه کردار و عمل، عادت و خوی طبیعت، قانون، مذهب و طریقه، سامان و سر انجام، هنر و کمال، ابزار و آلت، دل فریبی و خاطر نوازی»^۱

بنابراین، کلماتی که ملاحظه شد، معنایی قریب به هم دارد و مترادف به کار می‌روند. مراد نگارنده هم از روش در این نوشته، روشها، اسلوبها، طریقه ها و سبکهای تبلیغی رسول اکرم ﷺ می‌باشد

۲. مفهوم، ارکان و اهداف تبلیغ

واژه «تبلیغ» و «تبلیغات» در لغت، به معنای «رسانیدن و واصل کردن پیغام و عقاید دینی با وسایل ممکن» است.^۲ و در اصطلاح، «تلاشی عمدی است که توسط برخی افراد یا گروه‌ها با بهره‌گیری از وسایل ارتباطی برای کنترل، شکل دادن، یا تغییر نگرش افراد دیگر گروه‌ها، انجام می‌شود، با این هدف که عکس‌العمل آنها در یک موقعیت ویژه، به گونه‌ای که مطلوب برنامه‌ریزان تبلیغات است، تحت تأثیر قرار گیرد.»^۳

تبلیغ، مؤلفه‌های بسیار دارد؛ برخی از آنها رکن بوده که بانبودشان تبلیغ وجود نخواهد داشت و برخی، غیر رکن است. پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده، محتوای پیام، ابزار و وسایل پیام‌رسانی و سبک‌ها و شیوه‌های پیام‌رسانی، از مؤلفه‌های اصلی و زمینه‌های ارسال و دریافت پیام، مخاطب‌شناسی، نیاز‌شناسی، روش‌شناسی، موقعیت‌شناسی، زبان‌شناسی و واژه‌گزینی و پیامد‌شناسی، از مؤلفه‌های غیررکنی تبلیغ نام برده شده است.^۴

تبلیغ اسلامی، سه هدف مهم دارد: تعلیم، تربیت و تزکیه. در طول تاریخ، همواره رشد علمی و عملی مخاطبان، مورد اهتمام مبلغان اسلامی بوده است.^۵ از این رو، محتوای تبلیغ اسلامی باید وحیانی، مستند، شفاف، روشن، هنرمندانه، جذاب، متناسب با نیاز و فهم مخاطب و دارای انذار و تبشیر باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «انسان با چیزی که نمی‌فهمد، دشمن است.»^۶

۳. ویژگیهای تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نخستین مبلغ اسلام، حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله بود که توانست جامعه خفته جاهلی را هدایت کرده و پرچم اسلام را در سرزمین حجاز و به تدریج، در سراسر عالم مستقر کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان انبیا، همچون چراغی روشنگر است که شعاع نور او به تمام بشریت می‌تابد.

قرآن، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان خالص او را اسوه تمام امت‌ها معرفی کرده و آنها را به زراعتی پر بازده تشبیه کرده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ»^۷

به لحاظ اینکه محور بحث این مقاله بررسی روش تبلیغی رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، ضروری است که قبل از بحث اصلی به برخی از ویژگی‌های آن حضرت اشاره کنیم؛ زیرا همین ویژگی‌ها، تبلیغ او را مؤثر و خودش را معلم بشریت قرار داده است.

ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن و روایات، فراوان به چشم می‌خورد؛ اما این نوشته از باب اختصار، فقط به برخی از امتیازات آن حضرت اشاره می‌کند.

الف) عصمت

تبلیغ، زمانی مؤثر است که مخاطب به مبلغ اعتماد داشته باشد و اعتماد، وقتی حاصل می‌شود که پیام رسان در نگاه و نگرش پیام‌گیر، معصوم و عاری از هرگونه خطا و اشتباه باشد. به این جهت خداوند که منبع پیام‌های دینی است، رسول خود را به مقام عصمت

تجهیز کرده و سنت او را حجت قرار داده است؛ زیرا اگر نخست مبلغ اسلام، معصوم نباشد ممکن است دچار اشتباه و لغزش شده و برخلاف دین تبلیغ کند.

«عصمت، نیرویی است که صاحب خود را از وقوع در گناه و اشتباه حفظ می‌کند تا کار واجبی را ترک نکند و حرامی را مرتکب نشود، درحالی که قدرت بر ترک واجب یا فعل حرام داشته باشد. به عبارت دیگر، معصوم به درجه‌ای از تقوا رسیده است که خواسته‌های نفسانی، هرگز بر او غلبه نمی‌یابد و به حدی از دانش دست یافته است که در هیچ مسئله‌ای خطا نمی‌کند»^۸

ب) تأکید قرآن بر الگو بودن رسول خدا ﷺ

قرآن کریم در آیات متعدد، بر الگو بودن پیامبر ﷺ تأکید و ضمن توجه دادن به شایستگی‌های آن حضرت، به اطاعت پذیری از او سفارش ویژه کرده است. قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»^۹؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکو است؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

«وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^{۱۰}؛ و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت، باز ایستید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید.

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»^{۱۱}؛ هرکس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده.

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»^{۱۲}؛ بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.

ج) دلسوزی برای هدف

ویژگی مهم دیگر پیامبر ﷺ، دلسوزی برای هدف است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»^{۱۳}؛

قطعا برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او، رنج شما دشوار است، به [هدایت] شما حریص و بر مؤمنان دلسوز مهربان است.

بدون تردید، کسی می‌تواند تبلیغ مؤثر داشته باشد که در راه هدایت مخاطبان دلسوزی داشته باشد، به گونه‌ای که در این جهت دارای سوز ویژه بوده و پیام‌گیرها، صداقت و دلسوزی او را کاملا حس کرده، به پیامهایش اعتماد کند تا در نتیجه، تبلیغ کارآمد و مفید محقق شود.

د) جامعیت در فضایل و کمالات انسانی

از جمله امتیازهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جامعیت ایشان در فضایل و کمالات انسانی است. کسی می‌تواند در عمق روح و جان مخاطب نفوذ کند که دارای کمالات انسانی فوق پیام‌گیران باشد؛ زیرا در این صورت است که مخاطب، پیام رسان را برتر از خود و لایق پیام رسانی دانسته و به سخنان و پیام‌هایش گوش فرا می‌دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این جهت نیز کاملا ممتاز است؛ چه آنکه در وجود آن حضرت، ویژگی‌های همچون: علم و دانش فراوان و متکی به غیب، روحیه رحمت، عطف و صفا، اخلاق نیکو و خلوص نیت و... موج می‌زند. افزون بر موارد یاد شده، ویژگی‌های برجسته دیگری نیز برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد که جهت پرهیز از اطالۀ سخن، فقط به عناوین آنها اشاره می‌شود: داشتن ولایت تکوینی، بصیرت بخشی به مخاطبان، قاطعیت در دین، و...

۴. متغیرهای اصلی تبلیغ

تبلیغ، متغیرهای اصلی و فرعی گوناگون دارد که در شرایط مختلف، عملکرد ویژه‌ای را می‌طلبد و باید همواره مورد توجه و اهتمام مبلغان باشد و پیام‌هایشان را متناسب با آن متغیرها تنظیم و ابلاغ کنند. از میان متغیرهای تبلیغ، گزینه زمان، مکان و مخاطب نقش اصلی و اساسی را دارد. تمام کسانی که تبلیغات مؤثر داشته‌اند، توجه به عناصر یاد شده، رمز موفقیت‌شان بوده است.

به عبارت دیگر، تبلیغ، تعاملی و دوسویه است که میان پیام رسان و پیام‌گیر برقرار می‌شود. در این تعامل، باید هر دو طرف به اقتضات زمان، مکان و روحیات و نیازهای مخاطبان توجه کنند؛ زیرا تبلیغ، مخاطبان یکسان و هم‌زمان ندارد؛ بلکه در شرایط مختلف و

با مستمعان گوناگون واقع می‌شود؛ از این رو، باید صلاح زمان، مکان و مخاطب در آن لحاظ شود.

پیامبران بسیاری برای هدایت بشر مبعوث شده و هر یک، دارای رتبه‌ای خاص بوده‌اند؛ برخی به عنوان «نبی» و برخی به عنوان «رسول» و برخی با «هر دو عنوان» و برخی با القاب «اولوالعزم» بودند که هر کدام در شرایط زمانی و مکانی خاص به مأموریت پیام رسانی خود از سوی خداوند عمل کرده‌اند.

مطابق روایات مشهور، ۱۲۴ هزار نبی از سوی خداوند به سوی بشر فرستاده شده‌اند. مشهورترین روایت در این موضوع، روایت ابوذر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: «ان الانبياء مائة و اربعة و عشرون الف نبی و المرسلون منهم ثلاثمائة و ثلاثة عشر نبياً»^{۱۴}؛ تعداد پیامبران ۱۲۴ هزار و از این میان، عدد رسولان ۳۱۳ نفر است.

این تنوع و تعداد فرستادگان خداوند، حاوی نکات تبلیغی فراوان است؛ از جمله اینکه: هر زمان، مکان و مخاطبان، مبلغان خاص خود را می‌طلبند که باید با زبان روز و مطابق با نیازهای مردم آن و فضای ایجاد شده، آموزه‌های آسمانی را تبلیغ و ترویج کنند؛ از این رو، ضروری است که مراکز تبلیغی و مبلغان فرهیخته، خود را برای زمانها و مکانهای مختلف آماده کرده، خوراک معرفتی متناسب با اقدار مختلف مخاطبان را فراهم ساخته و در اختیار داشته باشند؛ زیرا در غیر این صورت، تبلیغ مؤثری نخواهند داشت.

حال که ضرورت ارائه تبلیغ متناسب با زمان، مکان و مخاطبان تا حدودی روشن شد، تبیین برخی از روش‌های تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صورت گذرا لازم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول مدت عمرش، روش‌های مختلفی را در جهت تبلیغ و دعوت به کار گرفت. روشهای که می‌توان آنها را از طریق آیات قرآن و سیره رفتاری و گفتاری آن حضرت می‌توان به دست آورد، بسیار متنوع و گوناگون است و مطالعه عمیق در منابع دینی و تاریخی، انسان پژوهشگر و محقق را با آمار فراوان روشها مواجه می‌کند؛ از این رو جهت پرهیز از اطاله کلام و ارائه بحثی جامع و فراگیر، تلاش می‌کنیم برخی از روشهای را که به آن دست یافته‌ایم، در سه قالب اصلی طبقه‌بندی و ساماندهی کنیم. بدون شک اگر کسی ارزیابی دقیق تری انجام دهد، می‌تواند طبقه‌بندیهای دیگری نیز به دست آورد؛

طبقه اول: روشها تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله با کفار، مشرکان و منافقان

طبقه دوم: رورشهای تبلیغی پیامبر ﷺ با مؤمنان و موحدان.
طبقه سوم: روشها تبلیغی پیامبر ﷺ با عموم مخاطبان.

فصل دوم: روشهای تبلیغی پیامبر ﷺ با کفار و مشرکان

براساس آیات قرآن، تبلیغات رسول خدا ﷺ انواع و شیوه های گوناگون داشت؛ تبلیغ آشکار و پنهان، تبلیغ ساده و پیچیده؛ ارشاد یک نفره، خانوادگی و گروهی، تبلیغ بدون هیچ وسیله و ابزار، تبلیغ با وسایل و ابزارهای متعدد، تبلیغ نرم و ملایم و تبلیغ خشن و هشدار دهنده و... سبب تنوع در روشهای تبلیغی رسول خدا ﷺ مواجهه و برخورد ایشان با اوضاع و شرایط متعدد و مخاطبان گوناگون بوده است. در تمام شرایط، خداوند به یاری پیامبر آمده، بهترین و کامل ترین روشها را به رسولش منتقل می کرد تا حضرت در مناسبت های مختلف، دقیق ترین تصمیم ها را اتخاذ نماید. در تاریخ و سیره آن حضرت، روشهای برای دعوت کفار و مشرکان می توان مشاهده کرد.^{۱۵} به برخی از آنها اشاره می گردد.

۱. طرح مواضع مشترک

اولین مرحله دعوت و تبلیغ، فراهم کردن محور ارتباط میان طرفهای گفت و گو است. براین اساس، نخستین روش تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ در برابر یهود و نصارا و حتی مشرکان، «طرح مواضع مشترک» بود. پیامبر ﷺ به خوبی می دانست که مطرح کردن مباحث اختلافی، و چالش برانگیز در ابتدای دعوت، نه تنها سودی به حال اثبات حق ندارد؛ بلکه زمینه را برای تخریب یکدیگر و ترک ارتباط فراهم می کند؛ از این رو، عقاید صحیح و قابل قبول کفار و مشرکان مورد توجه پیامبر قرار گرفته، به عنوان محور ارتباطی استفاده می شد. این روش تداوم گفت و گو، موفقیت دعوت را تضمین کرده و زمینه طرح مباحث اختلافی و در نهایت اصلاح را ممکن می ساخت. در آیات قرآن و روایات و سیره پیامبر موارد متعددی از به کارگیری این روش و سبک تبلیغ به چشم می خورد که از باب نمونه به مواردی اشاره می کنیم.

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»^{۱۶}؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم؛ جز خدا را نپرستیم و

چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدای نگیرد. پس اگر اعراض کردند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم.

«وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَإِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»^{۱۷}؛ و با اهل کتاب، جز با شیوه‌ای که بهتر است مجادله نکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کردند و بگویید: با آنچه به سوی ما نازل شده و آنچه به سوی شما نازل شده ایمان آوردیم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم اویم.

این آیات و موارد مشابه آن، «به توحید که قدر مشترک ادیان است تأکید دارد و پیامبر را فرمان داده که به این شیوه مجهز باشد»^{۱۸}.

۲. دعوت به تفکر منطقی

پشتوانه استدلالی و منطقی، از امتیازات برجسته تبلیغ اسلامی است؛ از این رو، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله با دلی آرام و ضمیری مطمئن، مخاطبان را به تفکر و بررسی بی طرفانه و علمی موضوعات مورد بحث دعوت می‌کرد.

در آیات وحی و سیره تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه و آله این روش بارها به چشم می‌خورد. قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشِيًّا وَ فَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ»^{۱۹}؛ بگو من شما را یک اندرز می‌دهم که دو به دو و به تنهایی برای خدا بپاخیزید، سپس بیندیشید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد. او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشدار دهنده‌ای نیست.

علامه فضل الله در این زمینه می‌نویسد: «در برابر تهمت‌های سحر، جنون و غیره، قرآن نمی‌گوید که مبلّغ با شیوه خطابی و با حرارت به دفع تهمت‌ها و نفی دروغ‌ها پرداخته، یا با ادله و براهین، خلاف آن را اثبات کند؛ چرا که احساسات تحریک شده مردمی که شایعه جنون یا تهمت در میان آنها گسترش یافته، با غوغا و برهان، آرام نمی‌شود. بر اساس راهنمایی‌های قرآن، مبلّغ، باید به تهمت‌ها توجه نکرده، خود را منتقد دیدگاه‌های مخالفان نشان ندهد؛ بلکه فقط آنان را به بررسی بی طرفانه جریان و تفکر منطقی در جوی سالم و آرام فرا خواند؛ درست شبیه متهمی که به بی‌گناهی خود اطمینان کامل دارد؛ لذا با فریاد، خود

را تبرئه نمی‌کند و به جای آن محکمه و شاهدان را به مطالعه اسناد و مدارک دعوت می‌کند. نتیجه این روش، آن خواهد بود که مخاطبان از گمراهی در آمده و به طور غیر مستقیم قوت اندیشه معلوم شده و پیام تبلیغی مبلغ دریافت خواهد شد.^{۲۰}

۳. استفاده از فرصتها

یکی از روشهای دعوت رسول خدا ﷺ، استفاده از فرصتها بود. از جمله فرصتهای حضرت، ایجاد ارتباط شخصی با سران قبایل، مسافران، حاجیان، بازرگانان، بادیه نشینان و فقرا با هدف تبلیغ دین بود. پیامبر ﷺ با صبر و حوصله زیاد با مخاطبان ارتباط برقرار کرده، آنها را دعوت به اسلام و ایمان می‌کرد. از جمله افرادی که از طریق دعوتهای فردی پیامبر اسلام ﷺ اختیار کرده‌اند، افراد ذیل نام برده شده است: عُدی بن حاتم، ابی‌العاص بن ربیع، ثمامه بن اثال حنفی، مالک بن عوف، حارث بن ابی ضرار و عُمیر بن وهب جُمحی.^{۲۱}

تاریخ زندگی و سیره تبلیغی حضرت، موارد و مصادیق گسترده‌ای از این روش را منعکس کرده است که برشمردن تمام آنها خود تحقیقی مستقل می‌طلبد؛ در عین حال، برخی از تماس‌های فردی پیامبر ﷺ را - که با هدف تبلیغ و دعوت انجام شده است - یاد آور شده و تفصیل بیشتر را به فرصتی دیگر واگذار می‌کنیم.

سُوید بن صامت از بنی عمرو بن عوف برای حج به مکه آمد. وی را به خاطر شرافت و نسبش «کامل» می‌نامیدند. پیامبر چون از ورودش با خبر شد، به نزد او رفت و او را به خدا و اسلام خواند. سُوید گفت: شاید آنچه نزد تو است، مانند چیزی باشد که نزد من است. پیامبر ﷺ فرمود: تو چه داری؟ گفت: حکمت لقمان. فرمود: نشانم بده. سُوید حکمتش را عرضه کرد. پیامبر ﷺ فرمود: این کلام نیکویی است؛ ولی آنچه با من است، بهتر از این است، قرآنی است که خدای بزرگ بر من فرود آورده و هدایت و روشنایی است؛ پس مقداری از قرآن برایش خواند و به اسلامش دعوت کرد. وی پیش از آنکه از پیامبر ﷺ دور شود، گفت: این گفتار بس نیکویی است. با قومش به مدینه رفت و چیزی نگذشت که در جنگ باخزر جیان کشته شد. گروهی از قومش بر آن بودند که او در حالی که مسلمان شده بود، از دنیا رفت.^{۲۲}

طَفیل بن عمرو دوسی وارد مکه شد تا پیامبر را زیارت کند. بزرگان قریش او را منع کردند. او پنبه‌ای در گوش نهاد؛ اما چون به مسجد الحرام آمد و پیامبر را دید، با خود گفت: من

مردی شاعر و خردمند و زشت و زیبا را می‌شناسم. چه مانعی دارد که سخنش را بشنوم تا اگر نیک باشد، بپذیرم و اگر زشت باشد، رها کنم. پس از طواف در پی پیامبر به خدا رفت، رسول خدا ﷺ اسلام را بر او عرضه کرد و قرآن بر وی خواند. طُفیل گفته بود: به خداسوگند هرگز سخنی دلنشین‌تر و دعوتی عادلانه‌تر از آن ندیده و نشنیده‌ام، آنگاه اسلام آورد و شهادتین را بر زبان جاری ساخت.^{۲۳}

حضور در محافل و اجتماعات مختلف قبایل گوناگون، مصداق دیگر استفاده پیامبر از فرصتهاست. رسول اکرم ﷺ در اجتماعات حج، بازار و شعر ادبی حضور یافته، پیام‌های هدایتی را ابلاغ می‌کرد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در موسم حج، فرصت را مغتنم می‌شمرد و آیین خود را بر هر قبیله‌ای به طور جداگانه عرضه می‌کرد تا به شکل کامل، آن را بپذیرند.^{۲۴}

استقبال صمیمانه پیامبر ﷺ از وفدها و هیأت‌های قبایل، مصداق دیگر استفاده آن حضرت از فرصتهاست.

وفدها، هیأت‌های نمایندگی قبایل مختلف عرب بودند که برای اظهار اسلام و اعلام انقیاد، به حضور رسول اکرم شرفیاب می‌شدند که این ملاقاتها، بیشتر بعد از فتح مکه و در سال نهم هجرت اتفاق افتاد و آن را به این سبب «عام الوفود» نامیدند که از جمله آنها، وفد بنی تمیم، هیأت ثقیف، وفد بنی حارث و وفد بنی سعدین بکر بودند.^{۲۵} ابن هشام، حدود بیست مورد و دیگر سیره نویسان، تعداد بیشتری از وفدها را ذکر کرده و جریان برخی را بازگو کرده‌اند.

۴. اتخاذ مواضع صریح و شجاعانه

اعلام صریح عقاید، اولین گام دعوت است. اگر مبلغ، شجاعت لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند در ابلاغ پیام موفق باشد. از جمله روشهای تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ، صراحت در ابراز عقیده بود. او که سخنش حق و بر مبنای فطرت و از پشتوانه وحی برخوردار بود، کوچک‌ترین خوف و هراسی در دل نداشت؛ لذا با صراحت به ابراز و ترویج عقاید خود پرداخت و این صراحت و شجاعت، زمینه انتشار تعالیم وحیانی را فراهم کرده، او را محبوب همه قرار داد. خداوند در آیات متعددی خبر از ابراز صریح اعتقادات پیامبر در برابر مشرکان قریش می‌دهد.

- «قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابُ»^{۲۶}؛ بگو: اوست پروردگار من،

معبودی به جز او نیست، بر او توکل کردم و بازگشت من به سوی اوست.

- «قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَابُ»^{۲۷}؛ بگو: جز این نیست

که من مأمورم خدا را بپرستم و به او شرک نورزم، به سوی او می‌خوانم و بازگشتم به سوی اوست.

۵. عدم نرمی در اصول

پیامبر اکرم ﷺ در مسیر تبلیغ دین، با مخالفت‌های فراوانی مواجه شد. این مخالفت‌ها، اگر در زمینه فردی و شخصی بود، نرمی و مدارای آن حضرت را به دنبال داشت؛ ولی اگر در زمینه اصول دین همچون توحید و معاد بود، هیچگونه نرمی و تحمل، از آن حضرت دیده نمی‌شد و با هرگونه پیشنهادی که منجر به کنار گذاشتن اصلی از اصول دین بود، برخورد می‌کرد و این، نصرتی بود از سوی خداوند برای پیامبر! «پیامبر ﷺ در مسائل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌داد، درحالی که درمسائل شخصی فوق العاده نرم و مهربان بود و فوق العاده عفو و گذشت داشت، اینها نباید با یکدیگر اشتباه شوند»^{۲۸}

در قرآن، آیات زیادی به این مطلب اشاره دارد:

۱. «قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ اتَّخِذُوا وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ

أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^{۲۹}؛ بگو: آیا غیر از خدا پدیدآورنده آسمانها و زمین سرپرستی برگزینم و اوست که خوراک می‌دهد و خوراک داده نمی‌شود. بگو: من مأمورم که نخستین کسی باشم که اسلام آورده است.

۲. درجای دیگر خداوند به صراحت، پیامبر را از همراهی و اطاعت کافران نهی می‌کند

«فَلَا تَطْعَمِ الْمُكَذِّبِينَ وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ»^{۳۰}؛ پس، از دروغزنان فرمان نبر، دوست دارند اگر

نرمی کنی، نرمی نمایند.

۶. استدلال منطقی و فطری

یکی از روشهای تبلیغی رسول اکرم ﷺ، استدلال منطقی و فطرت پسند بود؛ این روش،

ضمن متزلزل ساختن عقاید پوچ مشرکان، موجب بیدار گشتن وجدان و فطرت مخاطبان،

می‌شد و زمینه پذیرش بیشتر آنان را فراهم می‌کرد. قرآن می‌فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»^{۳۱}؛ اگر در آسمانها و زمین خدایانی جز الله بودند، جهان به تباهی کشیده می‌شد.

«قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا»^{۳۲}؛ بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را که اختیار سود و زیان شما را ندارد، می‌پرستید؟

«أَلِ إِلَهٍ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^{۳۳}؛ آیا معبودی با الله وجود دارد؟! بگو اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید.

۷. دعوت به مشترکات

تبلیغ، نوعی ارتباط است، که بین گوینده و شنونده برقرار می‌شود. این ارتباط، زمانی بهتر ایجاد خواهد شد که: طرفین، قبل از موارد اختلافی، گزینه‌های توافقی را یاد کرده و به اشتراکاتشان، اعتراف نمایند؛ به عبارت دیگر، پذیرش اشتراکات، به منزله پل ارتباطی میان گوینده و شنونده خواهد بود.

رسول خدا ﷺ با اذعان به این نکته مهم، همواره مخاطبان را به اشتراکات، دعوت می‌کرد؛ به عنوان مثال در مواجهه با یهود و نصارا و مشرکان، بر عقاید صحیح آنان تأکید می‌کرد و این زمینه‌ای می‌شد برای نفوذ در دل‌های آنان. این روش تبلیغی رسول خدا ﷺ را از آیات چندی می‌توان استفاده کرد که در ذیل به مواردی اشاره می‌گردد.

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»^{۳۴}؛ بگو: ای

اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر اعراض کردند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم.

«وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»^{۳۵}؛ و با اهل کتاب جز با شیوه‌ای که بهتر است مجادله نکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کردند و بگویید: به آنچه به سوی ما نازل شده ایمان آوریم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم اویم.

۸. تبلیغ فردی

تبلیغ گاه، به «صورت فردی» و گاه، به «صورت گروهی» انجام می‌شود. تبلیغ فردی در صورتی که دقیق و هوشمندانه انتخاب شود، بسیار مؤثر و عمیق است. پیامبر اسلام ﷺ برای تبلیغ دین از به کار گرفتن هردو روش بهره‌ها گرفته، دل‌های زیادی را از این طریق با اسلام آشنا نمود؛ اما بیشترین تلاش حضرت در این جهت از راه ارتباط‌های شخصی با مسافران، بازرگانان، حاجیان و بادیه‌نشینان، به بار نشست است. پیامبر ﷺ از ورود هیچ تازه‌واردی از عرب که دارای نام و شهرت و شرافتی بود مطلع نمی‌شد، مگر آنکه به نزد او می‌رفت و دعوت خویش را به او عرضه می‌کرد.^{۳۶}

یکی از صحنه‌های حضور فعال رسول خدا ﷺ جهت تبلیغ دین، مراسم حج سالیانه بود. در این باره بسیاری از سیره‌نویسان مطالب زیادی نوشته‌اند؛ از جمله گفته‌اند: «پیامبر اسلام در موسم حج فرصت را مغتنم می‌شمرد و آیین خود را بر هر قبیله‌ای جداگانه عرضه می‌کرد تا به شکل کامل، آن‌را بپذیرند...»^{۳۷}

۹. تبلیغ مرحله‌ای

یکی از مباحث راهبردی، در فرایند دعوت، مرحله‌بندی و انجام آن مراحل در زمانهای خاص خود است. این روش در حوزه تبلیغ دینی، کاربرد ویژه داشته و راه رسیدن به موفقیت را هموار می‌کند. در اینکه پیامبر ﷺ تبلیغ مرحله‌ای داشت اختلافی نیست؛ اما در مورد تعداد و چگونگی آن دیدگاه‌هایی متفاوت وجود دارد.

عده‌ای، آن را دو مرحله‌ای و برخی، سه مرحله‌ای دانسته‌اند؛ طبری و ابن هشام معتقدند: دعوت پیامبر به توحید و یکتاپرستی، دارای دو مرحله پنهانی و آشکار بود. در مقابل، کسانی مثل یعقوبی برای تبلیغ پیامبر ﷺ سه مرحله قابل شده؛ یعنی علاوه بر دو مورد قبل، معتقدند: پیامبر ﷺ مرحله‌ای دیگر بعد از مرحله دعوت پنهانی و قبل از دعوت آشکار داشته، که انذار و تبلیغ قومش بوده است.

اختلاف اصلی، در مورد جدا بودن دعوت نزدیکان می‌باشد؛ یعنی آیا این قسمت، مرحله‌ای مستقل است یا جزء مراحل قبل و بعد؛ با توجه به وجود آیات جداگانه در مورد دعوت علنی و دعوت نزدیکان، احتمال دو مرحله بودن این دو، تقویت می‌گردد.^{۳۸}

بنابراین می‌توان گفت: دعوت آخرین فرستاده حق، سه مرحله اصلی داشت: دعوت پنهانی، دعوت نزدیکان و دعوت عمومی.

۹-۱. دعوت پنهانی

این دعوت پس از نزول آیه «فَمُ فَأَنْذِرْ»^{۳۹} در مکه شروع شد و سه سال به طول انجامید. در این مدت، حضرت به دنبال افراد مستعد بوده و از عجله و شتاب پرهیز می‌کرد و روش کار آن بود که پیامبر ﷺ از طریق ملاقاتهای خصوصی با افراد، آنان را به دین و آیین خود دعوت می‌کرد. مهم‌ترین ویژگی این مرحله، صبر و حوصله پیامبر و تسلیم محض او در برابر فرمان خداوند بود؛ بدین جهت، آشکارا از بُتهای آنان انتقاد نکرد و با دقت تمام به سوی مرحله عمومی دعوت به پیش رفت. سران قریش نیز در مدت این سه سال، کوچک‌ترین جسارت نکرده و همواره با ادب و احترام با پیامبر برخورد می‌کردند.^{۴۰} از دیگر نتایج این مرحله، ایجاد آمادگی بهتر برای ورود به مرحله بعد دعوت بود که برای رسیدن به اهداف بزرگ، بسیار ضروری و لازم است.

۹-۲. دعوت نزدیکان

این مرحله نیز با نزول دستور خاص از طرف خداوند؛ یعنی «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^{۴۱} شروع شد. پیامبر ﷺ در این مرحله سعی کرد از تعلقات قومی و خونی خویشانش بهره گرفته و صفوف مستحکمی از آنان در برابر مشرکان ایجاد نماید؛ اما این دعوت، چندان مورد استقبال واقع نشد و از میان تمام بستگان پیامبر اکرم ﷺ، تنها حضرت خدیجه و حضرت علی علیهما السلام به وی ایمان آورده و دیگران تکذیبش کردند. البته لازم به ذکر است که: اندک بودن تعداد ایمان آوردگان، دلیل بر ناکارآمدی این روش نبوده و از اهمیت آن نکاسته است؛ چون این مرحله تبلیغ از جهت دیگر اهمیت بسیار داشت و سایر انبیا نیز ابتدا نزدیکانشان را به دین خود دعوت کرده‌اند. بنابراین، شروع تبلیغ از نزدیکان و خویشاوندان، روشی است الهی و قرآنی^{۴۲} که مورد اهتمام تمام انبیا بوده است.

۹-۳. دعوت عمومی

با نزول آیه «فَاذْعُ بِمَا تُوْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ»^{۴۳} پیامبر ﷺ دستور یافت مرحله سوم دعوت به توحید را آغاز کند. با شروع این مرحله، رسول خدا ﷺ و تازه

مسلمانها وارد مرحله حساس و پرتنشی شدند. خداوند به پیامبر فرمان داد تا دعوتش را علنی سازد و حتی از قریش بخواهد که تسلیم پروردگارشان شوند و اسلام را بپذیرند.^{۴۴}

پیامبر ﷺ دعوتش را در این سه مرحله همراه با انذار و تبشیر به خوبی پیش برد؛ او بر بالای کوه صفا ایستاد و قریش را به دور خود فراخواند. وقتی اجتماع کردند، فرمود: اگر به شما خبر دهم که گروهی در پایین کوه بر ضد شما جمع شده‌اند، آیا مرا تصدیق می‌کنید؟ گفتند: آری، تو پیش ما متهم نیستی و ما هرگز از تو دروغی نشنیده‌ایم. فرمود: پس شما را به عذاب دردناک هشدار می‌دهم. ابولهب برخاست و بانگ بر او زد و گفت: همین امروز بمیری! آیا برای این امر مردم را گرد آورده‌ای؟! مردم از اطراف او پراکنده شدند، و خداوند آیه «تبت یدا ابی لهب و بت» را نازل کرد.^{۴۵}

رسول خدا ﷺ همراه با انذار، تبشیر هم داشت؛ او بر بالای سنگی ایستاد و فرمود: «ای گروه قریش! ای خلق عرب! شما را به لاله الا الله و رسالت خویش دعوت می‌کنم و به شما فرمان می‌دهم که بتها و شریکها را رها سازید و دعوت مرا اجابت نمایید تا مالک تمام عرب شوید و عجم به دین شما در آید و در بهشت از سلاطین گردید. مردم او را مورد استهزا قرار داده، گفتند: پسر عبدالله دچار جن شده؛ اما به خاطر موقعیت ابوطالب اقدامی علیه او نکردند.»^{۴۶}

براساس آیات قرآن، بشارت دادن بر بیم دادن (انذار) مقدم است. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا وَبَشِيرًا لِّلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا»^{۴۷}؛ ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذارکننده! و تو را دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم و چراغ روشنی بخش، مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است.

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ لَا تُسْأَلُ عَن أَصْحَابِ الْجَحِيمِ»^{۴۸}؛ ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم و تو، مسؤل (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی.

فصل سوم: روشهای تبلیغی پیامبر ﷺ با مؤمنان و موحدان

سبک تبلیغی آخرین سفیر الهی متناسب با مخاطبان و سطح فکر و آمادگی و نیاز آنان بود؛ از این رو، می‌توان گفت که روش تبلیغ پیامبر ﷺ در مواجهه با گروه‌های مختلف متفاوت بوده و درعین حال، تمام این روشها از یک سبک و هدف اصلی-که همان محوریت توحید است- برخوردار بوده‌اند.

۱. مدارا و تشویق، اصول اولیه دعوت

پیامبر گرامی اسلام ﷺ بر اساس آیهٔ «و انذر عشیرتک الاقربین و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین فان عصوک فقل انی برئ مما تعملون»^{۴۹} نسبت به کسانی که به آن حضرت ایمان می‌آوردند، رحیم و مهربان بود؛ چون قرآن کریم در این آیه می‌فرماید: و خویشان نزدیکت را هشدار ده و برای آن مؤمنانی که تورا پیروی کرده‌اند، بال خود را فروگستر و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو من از آنچه می‌کنید، بیزارم.

این آیه، میان سازش‌ناپذیری، نرمش و مدارا جمع کرده، می‌گوید: در جریان دعوت، برخورد جدی و انذار و هشدار لازم و ضروری است؛ اما در برخورد با مؤمنان، تساهل و مدارا، اولین روش تبلیغی است.

پاسخگویی آرام به سؤالات، شبهات و تهمتها، گذشت و آسان‌گیری در مسائل شخصی، برقرارکردن ارتباط صمیمی با مؤمنان و حتی با مشرکان، شکیبایی در مقابل آزار و اذیت دوستان و دشمنان، برخی از مصادیق روش نرمش و مدارا است که رسول خدا در فرایند تبلیغ بکار می‌برد.^{۵۰}

از جمله اصول دیگری که پیامبر ﷺ در مواجهه با مؤمنان به کار می‌گرفت، تشویق آنان بود. تشویق، نقش مهمی در تعمیق ایمان و انجام اعمال صالح دارد. رسول خدا ﷺ این روش کلی را برای ارشاد و دعوت به کارگرفته و آن را در ایجاد تغییر و تحول رفتاری مؤمنان و توسعه حاکمیت احکام اسلامی مهم و مؤثر می‌دانست. علاوه بر اصول یاد شده، پیامبر اکرم ﷺ از روشها دیگری نیز برای توسعه دین مداری در میان مسلمانان و مؤمنان بهره می‌جست که به نمونه‌های اشاره می‌شود.

۲. بنیانگذاری پایگاه‌های تبلیغی - ترویجی

موازی کاری و فعالیت‌های پراکنده از مهم‌ترین آفت‌های دینی است. به این خاطر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از این قبیل مشکلات و تمرکز بخشیدن به کار دعوت و تبلیغ به ایجاد و تشکیل مراکز و پایگاه‌هایی برای اجتماع مسلمانان پرداخت. این مراکز نقش مهم و سازنده‌ای در تحکیم و توسعه آموزه‌های اسلامی در بین مؤمنان داشت و حتی زمینه را برای ایمان آوردن مشرکان فراهم کرده، آنان را جذب خود کرد.

خانهٔ ارقم بن ابی‌الارقم، مسجدالحرام، مسجد قبا و مسجد مدینه، به ترتیب، از مهم‌ترین مراکز دعوت نبوی به شمار می‌رود. این پایگاه‌ها، مرکز نشر احکام الهی، قضاوت و داوری، جایگاه ارشاد، تعلیم و تحقیق، پایگاه آمادگی رزمی و توجیه سیاسی، محل تصمیم‌گیری و شورا، مصالای نماز جماعت و محل عبادت و اعتکاف و در یک جمله، پناهگاه هر بی‌پناه بود که برخی از کارکردهای مراکز، پایگاه‌ها و مساجد بناشده توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله تلقی شده است.^{۵۱}

۳. ترویج اخوت و برادری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس آیه **«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»**^{۵۲} و دیگر آیات، دوبار به صورت رسمی، به عقد اخوت میان مؤمنان اقدام کرد؛ بار اول، پیش از هجرت میان مهاجران و باردوم، پس از هجرت و ورود به مدینه میان مهاجران و انصار صورت گرفت.

در مرتبه اول، «میان مهاجران، دو به دو، عقد برادری برقرار کرد؛ بین ابوبکر و عمر، حمزه و زید بن حارثه، عثمان و عبدالرحمن بن عوف، زبیر و ابن مسعود و... میان خود و علی رضی الله عنه. در این رابطه به علی رضی الله عنه فرمود: آیا راضی نیستی که من برادر تو باشم؟ گفت: آری، راضی هستم، فرمود: تو برادر من در دنیا و آخرت هستی.»^{۵۳}

در مرتبه دوم، فرمود: **«تَأَخَّوْا فِي اللَّهِ أَخَوَيْنِ أَخَوَيْنِ»**^{۵۴} در راه خدا، با یکدیگر دو به دو برادر شوید و دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود: **«هذا اخي!»**^{۵۵}

برقراری عقد اخوت در میان مردمی که از رقابتها و حسادتهای قبیله‌ای به تنگ آمده بودند و در آتش تعصبات خونی و نژادی گرفتار بودند، تحولی عظیم به وجود آورده و همبستگی اسلامی را تحکیم بخشید. مصادیقی چون: دعوت به محبت به برادران، راهنمایی، همدردی، عطاوت، فریاد رسی، دیدار، مصافحه و نهی از اموری، چون: کناره‌گیری،

دروغگویی، بی مهری، تهمت، سخن‌چینی، نیرنگ بازی و فخر فروشی به برادران، نمونه‌هایی از ترویج فرهنگ اخوت و برادری توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.^{۵۶}

۴. مشورت و رایزنی با یاران

رایزنی و مشورت با افراد، از راه‌های مؤثر جلب اعتماد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براساس آیه «شاورهم فی الأمرِ فإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^{۵۷}، در امور گوناگون، غیر از اوامر و نواهی شرعی، با یاران خود مشورت می‌کرد. این عمل باعث می‌شد آنان خود را شریک دعوت دانسته و برای رسیدن به هدف، خالصانه تلاش کنند.

امام رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «ان رسول الله كان يستشير اصحابه ثم يعزم على ما يريد»^{۵۸}؛ رسول خدا با یارانش در باره قضایا مشورت می‌فرمود و آنگاه تصمیم نهایی را می‌گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر در مورد اصل جنگ، تعیین موضع نبرد، و موضوع اسیران با یاران خود مشورت کرد.^{۵۹} در جنگ اُحُد نیز در مورد شیوه مقابله با دشمن، به گفت و گو نشسته و به نظرات آنان را گوش داد.^{۶۰} رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احزاب، بنی قُرَیظَه و بنی نضیر، حُدَیبِیَّه، در غزوه طائف و تبوک با اصحاب و یاران خود مشورت نمود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر مسائل نظامی، در امور اجتماعی، خانوادگی و اعزام افراد به مأموریت‌های تبلیغی و اداری نیز با اصحاب رایزنی می‌فرمود و دیگران را هم به انجام مشاوره توصیه می‌کرد. پیامبر خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: «یا علی... ولا ند من استشار»^{۶۱}؛ پشیمان نشد آن کس که مشورت کرد.

فصل چهارم: روشهای تبلیغی پیامبر با عموم مخاطبان

پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت خود را به تمام اقشار جامعه - اعم از پیر و جوان، بزرگ و کوچک، غنی و فقیر، عالم و جاهل، زن و مرد - عرضه کرده است.

۱. توجه به طبقات مختلف جامعه

آموزه‌های مترقی اسلامی، اختصاص به گروه، قوم و افراد خاصی ندارد. به این جهت مبلغان دینی مکلفند، نخست به شناخت روحیات و نیازهای اجتماعی پرداخته و مطابق با نیازها و خواست‌های طبقات گوناگون همه را تحت پوشش آموزه‌های دینی قرار دهد و از

میان افراد جامعه، برخی گروه‌ها چون جوانان و تهیدستان - به دلیل نداشتن تعلقات دنیایی و روحیات آزاد اندیشی - قابلیت بیشتری برای شنیدن دستورات دینی دارند. در زندگی پربار رسول گرامی اسلام موارد فراوانی از توجه حضرت به طبقات مختلف جامعه از جمله، جوانان و تهیدستان و بردگان مشاهده می‌شود.^{۶۳، ۶۴}

۱. براساس روایت ابن سعد، ایمان آورندگان نخستین، بیشتر از ضعف و جوانان بودند.^{۶۴}
 ۲. بزرگان قریش بارها از پیامبر ﷺ به ابوطالب شکایت کردند. در مرتبه آخر، گفتند: ای ابوطالب، ما چندین بار پیش تو آمدیم تا درباره پسر برادرت با تو سخن بگوییم که دست از ما باز دارد و پدران و خدایان ما را به بدی یاد نکند و فرزندان، جوانان، بردگان، و کنیزان ما را از راه نبرد.^{۶۵}

از این دو نمونه و موارد دیگر، کاملاً روشن است که پیامبر خدا ﷺ به تمام اقشار و از جمله، زیردستان و جوانان توجه خاص داشته و می‌کوشیده از آنان، مردان و زنان برجسته تربیت نماید؛ تاریخ نیز گواهی می‌دهد: «همانهایی که روزی به چشم نمی‌آمدند، بعدها در زمره بزرگان، و چهره‌های تأثیرگذار تاریخ بشریت تبدیل شدند. چهره‌هایی همچون: عمار یاسر، صهیب بن سنان، بلال بن رباح، خباب بن الارت، عامر بن فهیره و ابوفکیهه».^{۶۶}

۲. هماهنگی معیشتی با مخاطبان

یکی از اصول مهم در تبلیغ مؤثر، هماهنگی سطح زندگی مبلغان با مخاطبان است. مبلغ موفق، کسی است که از هر نوع تعین و تشخص دوری کرده، فاصله‌ای میان خود و مردم به وجود نیاورد؛ زیرا، مبلغ، الگوی مخاطب است و زمانی میان این دو رابطه مؤثر برقرار می‌شود که شیوه زندگی آن دو از هماهنگی لازم برخوردار باشد، چون در این صورت است که پیروی در معنویات را به دنبال خواهد داشت.

هماهنگی، یک اصل است؛ اما درکل، ساده‌زیستی و بی‌تکلفی مبلغ نقش مهمی در تبلیغ دینی دارد. بسیار دیده شده که پیام‌رسان ساده و بی‌آلایش، به مراتب از پیام‌رسان تشریفاتی و تجملاتی موفق‌تر بوده و توانسته پیام‌هایش را در عمق جان مخاطبان نفوذ دهد.

یکی دیگر از روش‌های تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ، هماهنگی حضرت با مخاطبان و ساده‌زیستی‌اش بود.

۱. پیامبر ﷺ در سفر مانند دیگر افراد سهم گرفته و به جمع‌آوری هیزم می‌پردازد، و می‌فرماید: «من تمایز و جدا بودن از جمع را نمی‌پسندم و خداوند نیز بنده متمیز و تافته جدا بافته از جمع و انگشت نما شدن را دوست نمی‌دارد.»^{۶۷}

۲. کان رسول الله ﷺ پیام علی‌الحصیر لیس تحتہ شیء غیره (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۸) پیامبر ﷺ بر روی حصیر استراحت می‌کرد و غیر از آن زیر اندازی نداشت.

۳. ابن مسعود در مورد پیامبر ﷺ می‌گوید: «اتی النبی رجل یکلمه فارعد فقال: هون علیک فلست بملک»^{۶۸}؛ مردی به حضور پیامبر رسید و در حالی که می‌لرزید سخن می‌گفت، پیامبر به او فرمود: راحت باش، من پادشاه نیستم.

۳. طبابت دوار

حضرت علی رضی الله عنه در مورد سیره تبلیغی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «طیب دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه یضع ذلک حیث الحاجة الیه...»^{۶۹}

تأمل در واژه‌های به کار رفته در این خطبه، نکات ارزشمندی را در زمینه سیره تبلیغی رسول خدا ﷺ به همراه دارد که از جمله آنها، واژه «طیب دوار» است؛ طیب یعنی پزشک، حضرت می‌فرماید: پیامبر ﷺ برای مردم پزشک بود، البته نه پزشک تن بلکه طیب روح و روان، نه پزشک ثابت و مستقر بلکه سیار، سراغ بیماران را می‌گرفت و منتظر آمدن خودشان نمی‌ماند. از جمله خصوصیات طیب، آن است که: نسبت به مریض خود رؤوف و مهربان می‌باشد. طیب، نه تنها به بیمار توهین نمی‌کند؛ بلکه به او ترحم نیز می‌نماید. حضرت علی رضی الله عنه نیز می‌فرماید: «وانما ینبغی لاهل العصمة والمصنوع الیهم فی السلامة ان یرحموا اهل الذنوب والمعصية»^{۷۰}؛ شایسته است برای اشخاصی که خدا به آنها توفیق داده که پاک مانده‌اند، باید به اهل گناه و معصیت ترحم کنند.

در نگاه پیامبر اکرم ﷺ گنهکاران، نه تنها سزاوار طرد و توهین نیستند؛ بلکه لایق ترحم و دل‌جویی هستند. از لازمه مسئولیت پزشکی، عدم بی‌تفاوتی به مریض، و در فکر معالجه او بودن است و پیامبر خدا ﷺ، این‌گونه بود؛ لذا سزاوار است مروجان و مبلغان دینی - که وارثان علم رسول خدا ﷺ هستند - نیز، خود را مؤظف، به تأسی از سیره آن حضرت بدانند.

۴. سهولت در امر دین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام اعزام معاذبن جبل را برای دعوت و تبلیغ دین به یمن، به او این چنین توصیه فرمود: «یسر و لا تعسر، و بشر و لا تنفر»^{۷۱}؛ فرمود: اساس کارت تبشیر و مژده و ترغیب باشد. کاری کن که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. کاری نکن که مردم را از اسلام فراری و متنفر کنی.

آن حضرت فرمود: «بعثت علی الشریعة السمحة السهلة»^{۷۲}؛ خدا مرا بر شریعت و دینی مبعوث کرده است که باگذشت و آسان است. سهولت در امر دین، موجب جذب مردم به اسلام می‌شود. یک مبلّغ زمانی موفق است که مبلّغ سهولت و سماحت دین اسلام باشد، باید کاری کند که مردم به امر دین تشویق و ترغیب بشوند.

آنچه از مباحث در مورد سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شد، روشن می‌شود که: حضرت در راه تبلیغ دین از روشهای گوناگونی بهره گرفت؛ اما در کل روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبلیغ دین، روشی نرم، ملایم و همراه با عطوفت و ترخّم بوده و همواره به جهات سماحت و آسانی دین توجه کرده و از تکلف‌های زاید پرهیز می‌نموده است. البته در جای خود، از انذار و اعلام خطر نیز کوتاهی نمی‌کرده است؛ به عبارت دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بشارت دهنده بوده و هم انذارکننده، نهایت، جای هر یک را به خوبی شناخته و جنبه تبشیری را بر جنبه انذاری، برتری می‌داد.

۵. القای پیام به صورت غیر مستقیم (روش الگویی)

روان‌شناسان معتقدند: مؤثرترین روش تربیتی، روش الگویی و القای پیام به صورت غیر مستقیم است. در این روش، مخاطبان، فرصت می‌یابند با انگیزه و تمایل قلبی به موضوع مورد نظر توجه کرده، بدون کم‌ترین فشار ذهنی و روانی، پذیرای پیام شوند.^{۷۳}

همین روش، در سیره تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فراوان به چشم می‌خورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه امام علی و خدیجه در مراکز پرجمعیت - مانند مسجد الحرام و منی - می‌آمد و در برابر چشم مخالفان نماز دسته‌جمعی را برپا داشته و بدین ترتیب، با آیین چندگانه پرستی مبارزه عملی می‌کرد. عقیف، یکی از بازرگانان آن زمان، می‌گوید: «من برای امر تجارت نزد عباس پسر عبدالمطلب رفته بودم، ناگهان شخصی وارد مسجد الحرام شد. نگاهی به آسمان و خورشید کرد و رو به کعبه به نماز ایستاد، طولی نکشید که زنی با پسری وارد شدند و با وی

نماز گزارند، به عباس گفتیم: این چه دینی است که من نسبت به آن بی‌خبرم؟ عباس گفت: این مرد محمد صلی الله علیه و آله پسر عبدالله است، او عقیده دارد: پروردگارش همان پروردگار آسمانها و زمین می‌باشد و خداوند او را برای هدایت انسانها برانگیخته است، این دین، فعلا غیر از این سه نفر پیرو دیگری ندارد، این زن که می‌بینی خدیجه دختر خویلد و این پسر، علی رضی الله عنه پسر ابوطالب است که به وی گرویده‌اند.^{۷۴}

۶. آگاهی دهنده

روش تبلیغ پیامبر صلی الله علیه و آله بصیرت بخش و آگاهی دهنده است و از هرگونه عوام فریبی و ترویج سنت‌های غلط به دور. این روش، توانسته است متفکران، اندیشمندان و فرهیختگان جوامع بشری را در خدمت ترویج و تبلیغ دینی در آورد. تاریخ زندگی و سیره رفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله، مصادیق فراوانی از این شیوه‌ها گزارش کرده است.

سلمان با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله به به پایش افتاده، آنهارا می‌بوسد، رسول خدا صلی الله علیه و آله او را باز داشته می‌فرماید: «یا سلمان لاتصنع بی ما تصنع الاعاجم بملوکها، انا عبد من عبید الله»^{۷۵}؛ ای سلمان! با من آن‌گونه که عجم با پادشاهانشان برخورد می‌کنند، رفتار مکن، من بنده‌ای از بندگان خدا هستم.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، روشن شد که دین اسلام، کامل‌ترین دین و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خاتم پیامبران است. قرآن و سیره معصومان، دو منبع مهم آموزه‌های دینی است که در جهات گوناگون، چراغ راه تمام مسلمانان و عدالت خواهان عالم است. هرگونه کم‌کاری در جهت فهم و استفاده بهتر از این دو منبع، دور شدن مسلمانان از حقیقت اسلام و سردرگمی آنها را به دنبال خواهد داشت.

سبک‌شناسی و روش تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه و آله از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از مسائل مهمی است که می‌تواند گره بسیاری از چالش‌های دینی و دینداری کنونی مسلمانان را گشوده و بستر گرایش پیروان ادیان دیگر را فراهم نماید؛ چون قرآن، پیامبر گرامی اسلام را الگوی تمام عیار معرفی و پیروی از آن حضرت را سفارش کرده است.

یکی از مصادیق پیروی، به کارگرفتن سبکها و روشها دعوت آخرین فرستاده خداوند است. قرآن، روایات و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمونه‌های زیادی از سبک تبلیغی پیامبر را معرفی

کرده اند. گرچه شمارش کامل و بررسی تمامی سبک‌ها از حوصله و توان این نوشته خارج است؛ اما جهت فراهم شدن بستر لازم برای توجه جدی‌تر به این مهم، تلاش شد برخی از سبک‌های تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، معرفی و نمونه‌های قرآنی، روایی و تاریخی آنها- هرچند گذرا- بازشناسی شود.

صاحب این مقاله، با اشاره به اثر گذاری عناصر زمان، مکان و مخاطب(به عنوان متغیرهای اصلی)، معتقد است که سبک تبلیغ، با توجه به این سه مقوله، دایم متغیر است؛ از این رو، مبلغان دینی مؤظفانند، با توجه به سیره تبلیغی سفیران وحی و اقتضای زمان، مکان و مخاطبان، از شیوه‌های متناسب با نیاز مخاطبان خود، استفاده کنند. سبک تبلیغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کل، به روش انذار و تبشیر بود؛ گاهی تشویق داشت و گاهی تحذیر که انتخاب این روش، حاکی از شناخت و آگاهی حضرت از زمان، مکان و مخاطبان بود. چنانکه حضرت علی علیه السلام، او را طبیعی دواز معرفی می کند که برای یافتن و مداوای بیماران خود، دایم در حرکت و تلاش بود. بنابراین سبک تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت کلی، طبیب گونه و آگاهی دهنده بود.

پیشنهادات

در پایان، یادآوری این نکات در باب ایجاد تغییر در وضعیت تبلیغات دینی امروز، لازم به نظر می رسد.

۱. تولید محتوا به سبک علمی

بایسته است که گروهی از پژوهشگران و مبلغان گرد هم آمده، روشها تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله را به تفکیک مخاطبان خاص استخراج کنند. به عنوان مثال، استخراج روش دعوت آن حضرت با کودکان، بازانان، بامردان، باتجار، بافرمانروایان، باعلماء، باکشاورزان، با جوانان، باسالخوردگان و... در ایجاد زندگی سالم و پیشگیری از تنشهای خانوادگی و اجتماعی، فوق العاده اثر گذار است و می توان این روش را از آیات قرآن، روایات و سیره وی به دست آورد.

در این مرحله یافته‌ها، با استفاده از تکنیک‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و سایر علوم میان رشته‌ای و همسو با تبلیغ، طبقه‌بندی شده و تکنیک‌های لازم اجرایی شدن آنها فراهم شود.

در مرحله بعد، برای انتقال محتواها و تکنیک‌ها به مبلغان جوان، کارگروه‌هایی فعال تشکیل شده و برنامه ریزی دقیق صورت پذیرد.

در مرحله نهایی، با اعزام مبلغان به مراکز هدف، محتوای تولیدی اجرایی گردد که ارزیابی مستمر میزان تأثیرگذاری مطالب مطرح شده و شیوه‌ها و تکنیک‌های به کار گرفته شده، می‌تواند به مرور، از ضعف‌ها کاسته و نواقص احتمالی را مرتفع کند.

۲. مبلغ خانواده

به نظر می‌رسد، از روش‌های ناکارآمد تبلیغ دینی در عصر امروز، تبلیغ کشکولی و جزیره‌ای است. امروزه، مراکز، نهادها و شخصیت‌های صاحب نفوذ در مناسبت‌های گوناگون مذهبی، مبلغ اعزام کرده و هریک به قدر توان، تلاش‌هایی می‌کند که در جای خود، لازم و مفید است؛ اما در شرایط امروز جهانی کافی نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود، به جای اعزام کشکولی و بدون طرح و برنامه مبلغان، گروه‌هایی با استفاده از طرح و برنامه، تشکیل شده و برای هر گروه، جامعه هدف ویژه‌ای تعریف شود به گونه‌ای که آنان به عنوان متخصصان آن حوزه، در جامعه و رسانه‌ها جایگاه اجتماعی مثبت و قابل قبولی بیابند؛ به عنوان مثال، گروهی، فقط با هدف پشتیبانی و تغذیه مساجد، حسینیه‌ها و زیارت‌گاه‌ها فعالیت کنند و گروهی، با هدف ترویج آموزه‌های اسلامی در مراکز ورزشی، تفریحی و سیاحتی مشغول شده و کارهای تخصصی آن حوزه‌ها را سامان دهند. دسته‌ای، فعالیت محوری خود را تبلیغ خانوادگی قرار دهد (مبلغ خانواده) و همین‌طور... در سایر فضاها گروه‌های ویژه‌ای به وجود آید. افراد این گروه‌ها متناسب با شرایط جامعه هدف، بایستی برای هر خانواده و مخاطبان، به شکل گروهی، پرونده‌های دینی تنظیم کند. در این پرونده‌ها، اقدامات انجام شده، میزان تأثیر آنها و احیاناً مشکلات مذهبی اعضای خانواده و نیازهای دینی آنان ثبت شود، تا در فرصت‌های بعدی و از راه‌های غیر مستقیم پیگیری شود.

لازم به ذکر است که برای اعتماد بیشتر و فرهنگ سازی و حفظ استقلال مراکز تبلیغی از دولت‌ها، تشکیل نهاد‌های غیر وابسته به حکومت‌ها، پیش‌بینی شده و به روش غیرمستقیم، از مردم کمک‌های مالی دریافت شود (کمک به نهاد) و شیوه فعلی پرداخت پول توسط مردم به مبلغان، حذف شود. در شیوه موجود، برخی از مردم و حتی -مبلغان، تبلیغ را حرفه، دانسته با نگاه درآمدی به آن می‌نگرند و معتقدند تبلیغ هم نوعی بازار کسب و کار است.

تجربه نشان داده است، مبلغانی که به صورت مستقیم از مردم پول دریافت می‌کنند، در نگاه غالب آنان، افراد نیازمند و قابل ترحم می‌باشند و این حالت، ممکن است از جهاتی خوب باشد؛ اما میزان تأثیر گذاری مبلغ را خصوصاً در میان نسل جوان و نوجوان به شدت کاهش می‌دهد.



پی نوشتها

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران، مؤسسه دهخدا، [بی تا]، ج ۲۶، ص ۲۳۱.
۲. همان، ص ۳۴۳.
۳. محمد تقی رهبر، پژوهشی درتبلیغ، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۷۵؛ محسن خندان، تبلیغ اسلامی ودانش ارتباطات اجتماعی، تهران، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۵؛ محمد کاویانی، روان شناسی و تبلیغات با تأکید بر تبلیغ دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۰.
۴. محمد کاویانی، همان.
۵. احمد رزاقی، تبلیغات دینی ابزار و شیوه‌ها، تهران، اول، شرکت نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۵.
۶. علی تقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، [بی نا]، ۱۳۵۱، ص ۱۲۹۰، حکمت ۴۳۰؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳هـ، ج ۳، ص ۲۱۹؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، دارالحديث، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۸۴۹.
۷. فتح/۲۹.
۸. جعفر سبحانی، مع الشيعة الامامية في عقائدهم، تهران، [بی نا]، ۱۴۱۳، ص ۵۷.
۹. احزاب/۲۱.
۱۰. حشر/۷.
۱۱. نساء/۸۰.
۱۲. آل عمران/۳۱.
۱۳. توبه/۱۲۸.
۱۴. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۱.
۱۵. مصطفی عباسی مقدم، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۸۳، ۱۵۵.
۱۶. آل عمران/۶۴.
۱۷. عنکبوت/۴۶.

۱۸. سید محمد حسین فضل الله، اسلوب الدعوة فی القرآن، بیروت، دار الزهراء، ۱۳۹۹م، ص ۷۶.
۱۹. سیأ/۴۶.
۲۰. سید محمد حسین فضل الله، همان، ص ۷۰.
۲۱. محمد آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران، [بی تا]، ص ۱۵۰.
۲۲. عبدالملک ابن هشام، السیرة النبویة، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۷.
۲۳. همان، ج ۲، ص ۲۸؛ محمد آیتی، همان، ص ۱۵۰.
۲۴. جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، ترجمه: حسین تاج آبادی، تهران، آزاد گرافیک، ۱۳۷۲، ص ۲۵۶.
۲۵. عبدالملک ابن هشام، همان، ج ۴، ص ۱۷۰.
۲۶. رعد/۳۰.
۲۷. رعد/۳۶.
۲۸. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، دوم، صدا، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۳۶.
۲۹. انعام/۱۴.
۳۰. قلم/۹.
۳۱. انبیاء/۲۲.
۳۲. مائده/۷۶.
۳۳. نمل/۶۴.
۳۴. آل عمران/۶۴.
۳۵. عنکبوت/۴۶.
۳۶. مصطفی عباسی مقدم، پیشین، ص ۱۰۵.
۳۷. سید جعفر مرتضی عاملی، پیشین، ص ۲۵۶.
۳۸. همان، ص ۱۲۲.

۳۹. مدثر/۲.

۴۰. مصطفی عباسی مقدم، پیشین، ص ۱۲۳.

۴۱. شعراء/۲۱۴.

۴۲. تحریم/۶.

۴۳. حجر/۹۴-۹۵.

۴۴. سید جعفر مرتضی عاملی، پیشین، ص ۵۳.

۴۵. همان، ص ۵۴.

۴۶. عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۳، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات

اسماعیلیان، ج ۴، ۱۴۱۵، ص ۳۴.

۴۷. احزاب/۴۴-۴۵.

۴۸. بقره/۱۱۹.

۴۹. شعراء/۲۱۴-۲۱۶.

۵۰. مصطفی عباسی مقدم، همان، صص ۱۳۱-۱۳۸.

۵۱. مصطفی عباسی مقدم، همان، ص ۱۲۸.

۵۲. حجرات/۱۰.

۵۳. علی بن برهان‌الدین حلبی، انسان العیون فی سیرة الامین و المأمون (السیرة الحلبیه) بیروت، دار احیاء التراث

العربی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۰.

۵۴. ابن هشام، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۴.

۵۵. ابن سعد، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۸.

۵۶. مصطفی‌عباسی مقدم، همان، ص ۱۴۵.

۵۷. آل عمران/۱۵۹.

۵۸. محمد بن حسن حرّعاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی،

بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا]، ج ۸، ص ۴۲۸.

۵۹. ابن هشام، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۳.
۶۰. همان، ج ۳، ص ۷.
۶۱. محمد بن حسن حرعاملی، همان، ج ۵، ص ۲۱۶.
۶۲. عبد علی عروسی حویزی، پیشین، ج ۳، ص ۳۴.
۶۳. «...فاجتمعت قریش الی ابي طالب فقالوا: یا ابا طالب! ان ابن أخیک قد سفه أحلامنا و سب آهتنا، و أفسد شبانتا، و فرّق جماعتنا، فان كان یحمله علی ذلك الغرم جمعنا له مالاً فیکون أكثر قریش مالاً، و نزوجه ای امرأة شاء من قریش، فقال له أبو طالب: ما هذا یا ابن أخی؟ فقال: یا عم! هذا دین الله الذی ارتضاه لأنبیائه و رسله، بعثنی الله رسولاً الی الناس، فقال: یا بن أخی ان قومک قد أتونی یسألونی ان أسئلك ان تکف عنهم، فقال: یا عم! انی لا أستطیع ان أخالف أمر ربی، فکفّ عنه أبو طالب...»
۶۴. محمد بن سعد، همان، ج ۳، ص ۱۷۳.
۶۵. یحیی بن جابر بلاذری، انساب الاشراف، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴، ص ۲۲۵.
۶۶. مصطفی عباسی مقدم، همان، ص ۱۰۹.
۶۷. الصفدی، الوافی بالوفیات، تحقیق: احمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، داراحیاء التراث، ج ۱، ۱۴۲۰، ص ۷۲؛ محمد مهدی صدر، اخلاق اهل البیت، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا]، ص ۴۷۴، ۵۲: «وروی أنه صلی الله علیه وآله کان فی سفر، فأمر بإصلاح شاة، فقال رجل: یا رسول الله علی ذبحها، و قال آخر: علی سلخها، و قال آخر: علی طبخها، فقال صلی الله علیه وآله: وعلی جمع الحطب. فقالوا: یا رسول الله! نحن نکفیک. فقال: قد علمت أنکم تکفونی، ولكن أکره أن أتمیز علیکم، فان الله یکره من عبده أن یراه متمیزاً بین أصحابه، و قام فجمع الحطب.»
۶۸. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۲۷۳.
۶۹. فیض الاسلام، پیشین، ص ۳۲۱، خطبه ۱۰۷.
۷۰. همان، ص ۴۲۸؛ علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، [بی جا]، دارالحديث، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹.
۷۱. مرتضی مطهری، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۲.
۷۲. علی بن الحسین موسوی (شریف مرتضی)، مسائل الناصریات، تحقیق: مرکز البحوث و الدراسات العلمیة، تهران، رابطة الثقافة و العلاقات الاسلامیة مدیریة الترجمة و النشر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۶.
۷۳. غلامعلی افروز، چکیده‌ای از روان شناسی تربیتی کاربرد، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶.

۷۴. «حدثني محمد بن عبيد المحاربي قال حدثنا سعيد بن خثيم عن أسد بن عتبة البجلي عن يحيى بن عفيف عن عفيف قال جئت في الجاهلية إلى مكة فنزلت على العباس بن عبد المطلب قال فلما طلعت الشمس وحلقت في السماء وأنا أنظر إلى الكعبة أقبل شاب فرمى ببصره إلى السماء ثم استقبل الكعبة فقام مستقبلاً فلم يلبث حتى جاء غلام فقام عن يمينه قال فلم يلبث حتى جاءت امرأة فقامت خلفهما فرجع الشاب فرجع الغلام والمرأة فرجع الشاب فرجع الغلام والمرأة فسادا فسجدا معه فقلت يا عباس أمر عظيم فقال أمر عظيم أتدرى من هذا فقلت لا قال هذا محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن أخي أتدرى من هذا معه قلت لا قال هذا علي بن أبي طالب بن عبد المطلب ابن أخي أتدرى من هذه المرأة التي خلفها قلت لا قال هذه خديجة بنت خويلد زوجة ابن أخي وهذا حدثني إن ربك رب السماء أمرهم بهذا الذي تراهم عليه وأيم الله ما أعلم على ظهر الأرض كلها أحدا على هذا الدين غير هؤلاء الثلاثة» (ابن جعفر محمد بن جرير طبري، تاريخ الأمم والملوك (تاريخ طبري)، تحقيق: نخبة من العلماء الاجلاء، بيروت، مؤسسه الاعلمي، ۸ جلدی، [بی تا]، ج ۲، ص ۵۶).

۷۵. محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۷۶، ص ۴۳.



